



مجموعه بیانات و مواضع رهبر معظم انقلاب مدظله العالی

درباره مسئله راهبردی اربعین

این یک حادثه و پدیده‌ی الهی است

برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام میگیرد، آخرش هم نمیشود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری بلند میشوند میروند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه و پدیده‌ی الهی است.^۱

علت اهمیت اربعین؛ جاودانه شدن نهضت حسینی

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی(علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.^۲

جابر بن عبدالله انصاری؛ اولین زائر اربعین

در روز اربعین هم، بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب، اولین زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند. از جمله کسانی که آن روز آمدند، یکی «جابر بن عبدالله انصاری» است و یکی «عطیه بن سعد عوفی» که او هم از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است. جابر بن عبدالله از صحابه پیامبر و از اصحاب جنگ بدر است؛ آن روز هم علی الظاهر مرد مسنی بوده است؛ شاید حداقل شصت، هفتاد سال از سنین او - بلکه بیشتر - میگذشته است. اگر در جنگ بدر بوده، پس لابد قاعدتاً در آن وقت باید بیش از هفتاد سال سن داشته باشد؛ لیکن «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است. او آن وقت جوانتر بوده؛ چون تا زمان امام باقر هم «عطیه بن سعد عوفی» علی الظاهر زندگی کرده است. «عطیه» میگوید: وقتی به آن جا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، اما این پیرمرد گفت اول دم شط فرات برویم و غسل کنیم. در شط فرات غسل کرد، سپس قطیفه‌ای به کمر پیچید و قطیفه‌ای هم بردوش انداخت؛ مثل کسی که میخواهد خانه خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین علیه السلام رفت. ظاهراً او نابینا هم بوده است. میگوید با هم رفتیم، تا نزدیک قبر امام حسین علیه السلام رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد. این پیرمرد که لابد حسین بن علی علیه السلام را بارها در آغوش پیامبر دیده بود، با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین!

«و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون...»^۳

عشق به سیدالشهدا و مغناطیس حسینی؛ علت زیارت اربعین

چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطاء گفته‌اند و احتمال دارد عطیه بن حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کردند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه‌ی مغناطیس

۱. بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۰۶/۲۹

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۰۳/۱۴

حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند میکند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان؛ سیدالشهداء.

جابر بن عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابر بن عبدالله، در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نما، حسین بن علی (علیه السلام) را به چشم خود دیده است. جابر بن عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم، حسین بن علی را در آغوش می‌گرفت، چشمهای او را میبوسید، صورت او را میبوسید، پیغمبر به دست خود در دهان حسین بن علی غذا می‌گذاشت و به او آب میداد؛ اینها را به احتمال زیاد جابر بن عبدالله به چشم خود دیده بود. جابر بن عبدالله به طور حتم از پیغمبر به گوش خودش شنیده باشد که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت‌اند. بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین، شخصیت امام حسین - چه در زمان خلفاء، چه در زمان امیرالمؤمنین، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلو چشم جابر بن عبدالله انصاری است. حالا جابر شنیده است که حسین بن علی را به شهادت رسانده‌اند. جگر گوشه‌ی پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت میکند که: «جابر بن عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه‌ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گامهای آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (علیه السلام) روانه شد. آن روایتی که من دیدم این طور است، می‌گوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر»؛ یعنی وقتی که میبیند که چطور آن جگر گوشه‌ی پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهوات طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می‌گوید. بعد می‌گوید: از کثرت اندوه، جابر بن عبدالله روی قبر امام حسین از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمیدانیم چه گذشته است، اما در این روایت می‌گوید، وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین صحبت کردن: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ».^۴

زیارت اربعین؛ ابزار بازماندگان کربلا برای پیگیری هدف قیام حسینی

اربعین در حادثه‌ی کربلا یک شروع بود؛ یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه‌ی کربلا انجام گرفت - آن فاجعه‌ی بزرگ اتفاق افتاد - و فداکاری بی نظیر ابا عبدالله (علیه السلام) و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه‌ی اسارتها پیام را باید منتشر میکرد و خطبه‌ها و افشاگریها و حقیقت‌گوئیهای حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) مثل یک رسانه‌ی پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهتگیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر میکرد؛ و کرد. خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرئت این را پیدا نمیکنند که حقایقی را که فهمیده‌اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمیگذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمیگذارد به آنچه فهمیده‌اند، عمل کنند. در کوفه، در شام، در بین راه، خلیفها از زبان زینب کبری (سلام الله علیها) یا امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) یا از دیدن وضع اسراء، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی کی جرئت میکرد، کی توانائی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده‌ای در گلوئی مؤمنین باقی بود. این عقده روز اربعین اولین نشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد. مرحوم سید بن طاووس - و بزرگان - نوشته‌اند که وقتی کاروان اسراء، یعنی جناب زینب (سلام الله علیها) و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه‌ی عوفی نبودند، «رجال من بنی هاشم» عده‌ای از بنی هاشم، عده‌ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهداء جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری آمدند. شاید این

۴. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱/۱۳۸۵/۰۱

سیاست ولایتی هم که زینب کبری اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضی استبعاد کردند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند. مرحوم شهید آیة الله قاضی یک نوشته‌ی مفصلی دارد، اثبات میکنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد. به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدماء هست، این است که وقتی زینب کبری و مجموعه‌ی اهل بیت وارد کربلا شدند، عطیه‌ی عوفی و جناب جابر بن عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادتها باید تحقق پیدا میکرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توابین به وجود آمد؛ اگر چه ماجرای توابین سرکوب شد؛ اما بعد با فاصله‌ی کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه‌ی آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجه‌ی در هم پیچیده شدن دودمان بنیامیه‌ی ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله‌ی مروانیه‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدفهای آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.^۵

حرکت زینب کبری در زیارت اربعین، رمز بقای عاشورا

حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا (سلام الله علیها) نگذاشت. دو حرکت عمده‌ی ما - زینب کبرا (علیها السلام) - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خیانت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حق گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپارند؛ همچنان که نتوانسته‌اند.^۶

هدف قیام حسینی در زیارت اربعین

حرکت امام حسین (علیه السلام) برای اقامه‌ی حق و عدل بود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر...»^۷ در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، میخوانیم: «و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة»^۸. آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند، بیان میفرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم ینبغ علیہ بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله»^۹.

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره‌ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن میکند که غرض، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه‌ی راه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارث ادم صفوة الله یا وارث

۵. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

۶. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

۷. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۸. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین

۹. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲

نوح نبی‌الله...»^{۱۰} و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط»^{۱۱} اقامه‌ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.^{۱۲}

امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) در نهج‌البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را این‌گونه معین میکند: «لیثیروا لهم دفائن العقول»؛ تا گنجینه‌های خرد را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء (علیه‌السلام) هم میخوانیم: «لیستنقذ عباده من الجهالة و حیره الضلالة»؛ قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسان‌ها برطرف کند و آنها را عالم کند؛ آنها را به هدایت حقیقی برساند. نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا.^{۱۳}

در زیارتی از زیارت‌های امام حسین (علیه‌السلام) که در روز اربعین خوانده میشود، جمله‌ی بسیار پُر معنا وجود دارد و آن، این است: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة»^(۱). فلسفه‌ی فداکاری حسین بن علی (علیه‌السلام) در این جمله گنجانده شده است. زایر به خدای متعال عرض میکند که این بنده‌ی تو - این حسین تو - خون خود را نثار کرد، تا مردم را از جهالت نجات بدهد. «وحیره الضلالة»؛ مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گمراهی است، نجات بدهد. ببینید، این جمله چه قدر پُر معنی و دارای چه مفهوم مترقی و پیشرفته‌ی است.

مسأله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطانهاست. همیشه شیطانهای بزرگ و کوچک، برای تأمین هدفهای خود، انسانها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی میکنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده‌اید و شرح حال سلاطین جابر و ستمگر و رفتار آنها با ملت‌ها و وضع امروز دنیا و روش قدرتهای بزرگ را دیده‌اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه‌ی شیطانها قرار میگیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.^{۱۴}

یک جمله در زیارت اربعین امام حسین علیه‌الصلاة والسلام ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارت‌ها و دعاها، بسیار پُر معنی و در خور تأمل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه اول قدری پیرامون همین جمله - که ناظر به جهت قیام حسینی است - عریضی عرض میکنیم. آن جمله این است: «و بذل مهجته فیک»^(۱). این زیارت اربعین است؛ منتها فقره‌های اول آن، دعاست که گوینده این جملات خطاب به خداوند متعال عرض میکند: «و بذل مهجته فیک»؛ یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لیستنقذ عبادک من الجهالة»^(۲)؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «و حیره الضلالة»^(۳) و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده؛ حسین بن علی علیه‌السلام است. طرف دیگر قضیه، در فقره بعدی معرفی میشود: «و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظّه بالارذل الأدنی»^(۴)؛ نقطه مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بیخودشان کرده بود؛ «و باع حظّه بالارذل الأدنی»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است.

۱۰. مفاتیح‌الجنان، زیارت وارث

۱۱. حدید: ۲۵

۱۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۱/۰۵/۱۳۶۸

۱۳. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۵/۰۳/۱۴

۱۴. بیانات در دیدار جمعی از فرزندان ممتاز شاهد و جانبازان مشهد و تهران و استان کردستان ۱۳۶۹/۰۶/۲۱

با مذاقه در این بیان، انسان احساس میکند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشاندهنده ابعاد عظیم این نهضت است. یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی است؛ که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر - یعنی حکومت یزید - است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگتری است که نگاه دوم، انسان را به آن میرساند؛ و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین اگرچه با یزید مبارزه میکند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه عمر بیارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه میکند.

یک حکومت آرمانی به وسیله اسلام به وجود آمد. اگر بخواهیم ماجرای امام حسین را در سطوری خلاصه کنیم، این طور میشود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است - چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز - حکومت اشرافیگری و حکومت غیرمردمی و حکومت شمشیر بيمنطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچکتر هم - مثل آنچه که در جزیره العرب بود - از آنها بدتر بودند و مجموعاً جاهلیتی دنیا را فرا گرفته بود. در این میان، نور اسلام به وسیله پیامبر خدا و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توانفرسای مردمی توانست اول یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد بتدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فرا گیرد. وقتی پیامبر از دنیا میرفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که میتوانست الگوی همه بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا میکرد، بدون تردید تاریخ عوض میشد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرن‌ها بعد از آن - در زمان ظهور امام زمان در وضعیت فعلی - پدید آید، در همان زمان پدیده آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان است که زندگی بشر هم از آن جا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا میداند بشر در آن جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه حکومت پیامبر میسر میشد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض میشد، فرجام کار بشری مدتها جلو میافتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.

خصوصیت حکومت پیامبر این بود که به جای ابتناء بر ظلم، ابتناء بر عدل داشت. به جای شرک و تفرقه فکری انسان، متکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود. به جای جهل، متکی بر علم و معرفت بود. به جای کینه‌ورزی انسانها با هم، متکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا میکند، انسانی باتقوا، پاکدامن، عالم، بابصیرت، فعال، پرنشاط، متحرک و رو به کمال است. با گذشت پنجاه سال، قضایا عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود؛ اما باطن دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد. به جای برابری و برادری، تبعیض و دودستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد. به جای معرفت، جهل حاکم شد. در این دوره پنجاه ساله، هرچه به طرف پایین می‌آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصلها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید اینها را برای ذهنهای جوان و جوینده روشن کنند.

امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضد همنند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم. اما سلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ‌گونه علقه معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو، درست نقطه مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت، یعنی یک سلطه مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم. آنچه که ما در زمان قیام امام حسین میبینیم، دومی است، نه آن اولی. یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاکدامنی و پارسایی داشت، نه سابقه جهاد در راه خدا داشت، نه ذره‌ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار یک مؤمن و نه گفتار او گفتار یک حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر شباهت نداشت. در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی - که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد - فرصتی پیش آمد و قیام کرد.

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضدّ مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند. لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد بن حنفیه - و در واقع در پیام به تاریخ - چنین گفت: «آئی لم اخرج اشرا و لابطرا و لامفسدا و لاظالما»؛ (۵) من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه قدرت بودن قیام نکردم؛ «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی»؛ (۶) من میبینم که اوضاع در میان امت پیامبر دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضد جهتی است که اسلام میخواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای این که با اینها مبارزه کنم. مبارزه امام حسین دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد؛ اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین علیه السلام بتواند بر حکومت یزید پیروز شود و قدرت را از چنگ کسانی که با زور بر سر مردم میکوبیدند و سرنوشت مردم را تباہ میکردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت میگرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض میشد. یک وجه دیگر این بود که امام حسین نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را به دست بیاورد؛ آن وقت امام حسین در این جا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیرقابل انقطاع در تاریخ به جریان می اندازد. و این کار را امام حسین کرد.

البته کسانی که دم از ایمان میزدند، اگر رفتاری غیر از آن داشتند که به امام حسین نشان دادند، شقّ اول پیش میآمد و امام حسین میتواند دنیا و آخرت را در همان زمان اصلاح کند؛ اما کوتاهی کردند! البته بحث این که چرا و چطور کوتاهی کردند، از آن بحثهای بسیار طولانی و مرارتباری است که بنده در چند سال قبل از این تحت عنوان «خواص و عوام» آن را مقداری مطرح کردم - یعنی چه کسانی کوتاهی کردند، گناه و تقصیر به گردن چه کسانی بود؛ چطور کوتاهی کردند، کجا کوتاهی کردند - که من نمیخواهم آن حرفها را مجدداً بگویم. بنابراین، کوتاهی شد و به خاطر کوتاهی دیگران، مقصود اول حاصل نشد؛ اما مقصود دوم حاصل گردید. این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمیتواند آن را از امام حسین بگیرد. قدرت رفتن به میدان شهادت؛ دادن جان و دادن عزیزان؛ آن گذشت بزرگی که از بس عظیم است، هر عظمتی که دشمن داشته باشد در مقابلش، کوچک و محو میشود و این خورشید درخشان، روزبه روز در دنیای اسلام به نورافشانی بیشتری میپردازد و بشریت را احاطه میکند.

امروز بیش از پنج قرن و ده قرن پیش، حسین بن علی اسلام و شما، در دنیا شناخته شده است. امروز وضع به گونه ای است که متفکران و روشنفکران و آنهایی که بیغرضند، وقتی به تاریخ اسلام بر میخورند و ماجرای امام حسین را میبینند، احساس خضوع میکنند. آنهایی که از اسلام سر در نمی آورند، اما مفاهیم آزادی، عدالت، عزت، اعتلاء و ارزشهای والای انسانی را میفهمند، با این دید نگاه میکنند و امام حسین، امام آنها در آزادیخواهی، در عدالت طلبی، در مبارزه با بدیها و زشتیها و در مبارزه با جهل و زبونی انسان است.^{۱۵}

زیارت اربعین؛ حرکتی در امتداد قیام سید الشهداء (علیه السلام) برای تشکیل نظام اسلامی

یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (علیهم السلام) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدهی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبانها جاری می شود.

مسئله از این بسیار بالاتر بود، نمی شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (علیه السلام) یا مثل زینب کبری (سلام الله علیها) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت هایی به این عظمت در جست و جوی رازهای بزرگتر بود.

مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (علیه السلام)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود، با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی (علیه السلام) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند، این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد.

به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید، تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند، آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) به کربلا در اربعین به این مقصود بود.^{۱۶}

پیاده‌روی اربعین؛ مصداق شعائر الله

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده‌ی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای هم در این سالهای اخیر به وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌آفتند و حرکت میکنند. این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه میکنیم به این حرکت، و غبطه میخوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند: «گرچه دوریم به یاد تو سخن میگوییم بعد منزل نبود در سفر روحانی»

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام میدهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام میدهند. این یک شعار بزرگ است، لا تُحَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ، (۲) این بلاشک جزو شعائر الله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این جور حرکتها عرض بکنیم که «یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً» (۳) همان طور که عرض کردیم، این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک کننده و عمل کننده است؛ هم عشق و محبت، تفکر اهل بیت و تفکر شیعی همین جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو، این آن چیزی است که در سایر فرق اسلامی، خلأ آن محسوس است؛ سعی هم میکنند گاهی به یک نحوی این خلأ را پر کنند، [اما] نمیشود؛ چه کسی مثل خاندان پیغمبر - این عناصر برجسته، ممتاز، نورانی، ملکوتی - وجود دارد در بین معتقدات (۴) شعب دیگر اسلامی، که این جور مردم به آنها عشق بورزند، با آنها تعامل کنند، با آنها حرف بزنند، به آنها سلام کنند و از آنها ان شاء الله جواب بشنوند؛ چه کسی دیگر وجود دارد؟ این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل بیت؛ این زیارت ائمه (علیهم السلام)، این معاشقه‌ی معنوی با این بزرگواران، این زیارتهای سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ما است.

بعضی دنبال سند میگردند برای بعضی از این زیارتهای ما؛ من عرض میکنم بدون سند هم این زیارتهای ما میشود خواند. خب ما وقتی بخواهیم با اینها حرف بزنیم، با چه زبانی حرف بزنیم؟ کی میتوانیم با این فصاحت، با این بلاغت، با این شیوایی کلمات پیدا کنیم، ترکیبات پیدا کنیم، مفاهیم پیدا کنیم در ذهن خودمان و با اینها حرف بزنیم؟ این زیارتهای خیلی خوب است. البته این مانع از این نمیشود که انسانها همین طور [به شکل] دلی هم با این بزرگواران حرف بزنند - مثل کسی که با پدر خود یا با عزیز خود حرف میزند و شکایت میکند و حرف میزند - مانع از آنها نیست اما این زیارتهای و زیارت‌نامه‌هایی که در اختیار ما هست هم واقعاً یکی از چیزهای مغتنمی است که بحمدالله در مکتب ما وجود دارد.

به هر حال کار بسیار مهمی است، کار بزرگی است؛ این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از

^{۱۶}. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مصاف»، انتشارات مؤسسه انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.

هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت میکنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت میکنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت پذیرایی میکنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفق میشوند باید مغتنم بشمارند.

۱۷

پیاده‌روی بی‌نظیر اربعین؛ مایه اعزاز امت اسلامی

هرجا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن‌ها، جسمها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه‌ی شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه‌ی آبروی پیغمبر شد. نماز عید را که میخوانیم، کنار هم قرار میگیریم، میگوییم: **الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَاتًا وَ مَزِيدًا؛ (۲)** صرف کنار هم قرار گرفتن جسمها در نماز، برای پیغمبر مایه‌ی شرف است؛ برای امت اسلامی مایه‌ی اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین جور است. امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.^{۱۸}

تعامل زیبای اقوام در پیاده‌روی اربعین؛ الگوی وحدت ملت‌های مسلمان

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل‌بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرقی مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.^{۱۹}

مهمان‌نوازی مردم عراق از زائران اربعین حسینی

مهمان‌نوازی و گرم در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. این رفتار عاشقانه‌ی معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به‌درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.^{۲۰}

راه‌پیمایی اربعین؛ جلوه‌ای بی‌نظیر از محبت بین‌ملت‌ها

راه‌پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است به‌گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دو کشور بیشترین استفاده را بکنند.^{۲۱}

۱۷. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۹/۹/۱۳۹۴

۱۸. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۹/۱۰/۱۳۹۳

۱۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۹/۱۰/۱۳۹۳

۲۰. دیدار نخست‌وزیر عراق با رهبر انقلاب ۲۷/۳/۱۳۹۴

۲۱. دیدار رئیس‌جمهوری عراق با رهبر انقلاب ۰۳/۰۹/۱۳۹۴

پیاده‌روی اربعین؛ یکی از نشانه‌های ایمان جوانان

عزیزان من! جوان کشور ما امیدبخش است؛ محیط جوانی در کشور ما امیدبخش است؛ نه اینکه بنده خبر نداشته باشم که حالا یک مشت جوانهایی هستند که راه‌های غلطی می‌روند، کارهای بدی میکنند؛ چرا، آنها را هم بنده اطلاع دارم اما سرجمع وقتی که نگاه میکنم به محیط جوانی کشور، از خدای متعال سپاسگزاری میکنم. با این همه عوامل انحراف، با این همه انگیزه، با این جبهه‌ی وسیع دشمنی و تمرکز روی جوانها، ما یک مجموعه‌ی بزرگ جوان داریم که مؤمنند، متدیّند، انقلابی‌اند، اهل توسلند، اهل شور و عشق به معنویتند؛ این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآنند، عده‌ای اهل اعتکافند، عده‌ای اهل پیاده‌روی اربعینند، عده‌ای اهل ایستادگی در میدانهای انقلاب و در مظاهر انقلابند. این خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است؛ دشمن با همه‌ی اینها مخالف است.^{۲۲}

لزوم رعایت ضوابط و مقررات در سفر اربعین

البته این عرایض ما موجب نشود که بعضی‌ها خارج از مقررات بخواهند بلند شوند راه بیفتند و حرکت کنند؛ نه، طبق همان مقرراتی که دولت اسلامی معین کرده است؛ خب، دوستان ما در دولت نشست‌اند فکر کرده‌اند، مقرراتی و ضوابطی برای این کار در نظر گرفته‌اند، این ضوابط حتماً مراعات بشود؛ جوری نباشد که کسانی خارج از این ضوابط بگویند «برویم همین‌طور حرکت کنیم، سر به بیابان بگذاریم - مثلاً - برویم»، این جوری مطلوب نیست؛ این ضوابط را حتماً بایستی رعایت کنند. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.^{۲۳}

حرکت ملت ما در زیارت اربعین، نشانگر عزم راسخ ملی

ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست‌ودوم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد. مدیریت جهادی هم در برخی از بخشها بحمدالله بارز و آشکار بود.^{۲۴}

لزوم معرفت‌افزایی زائران سفر اربعین

مردم با شور خودشان به کربلا می‌روند، اما باید دید وقتی برمی‌گردند با خودشان چه می‌آورند؟ ... افزایش معرفت و شناخت اهداف امام حسین (علیه السلام) در واقعه کربلا به عهده علماست و باید آنان تلاش کنند تا میزان آگاهی زائران نسبت به مشی و جهت‌گیری سیدالشهداء اضافه شود، به عبارتی فقط شور نباشد و شعور هم به آن اضافه شود.^{۲۵}

اربعین دلها را مثل مغناطیسی میکشاند

شماها که به شهدا نزدیک هستید، میتوانید با ارتباط و اتصال قلبی با آنها، از آنها استفاده کنید، بهره ببرید... شهید با دل‌های آشنا و مستعد همراه است، کمک میکند، هدایت میکند، تسلاً میدهد؛ این از جنبه‌ی معنوی و خدایی و اخروی.

۲۲. دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

۲۳. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۹/۹/۱۳۹۴

۲۴. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴/۱/۱

۲۵. حجت الاسلام قمی، معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری در جلسه ستاد مراسم اربعین: هنگامی که گزارش مراسم اربعین ۹۴ به رهبر معظم انقلاب داده شد ایشان این مطالب را فرمودند. به نقل از نشریه خط حزب الله، پیش شماره ششم، هفته دوم مرداد ۱۳۹۴

از جنبه‌ی دنیوی هم شهدای مدافع حرم، فضای کشور را تغییر دادند؛ در این چند سال مفاهیم انقلاب را زنده کردند. عده‌ای میخواستند مفاهیم انقلابی را کهنه و کم‌رنگ کنند؛ فداکاری این دل‌های مشتاق جوان‌های شما که بلند شدند و رفتند در هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر از شهر و خانه‌ی خودشان مبارزه کردند و جنگیدند، و همسر عزیزشان، پدر و مادر مهربانشان، فرزندان و نور چشمانشان را گذاشتند و رفتند، برکت پیدا کرد؛ خدای متعال به این فداکاری بچه‌های شما برکت داد و موجب شد که در کشور بتوانند فضای جدیدی را به وجود بیاورند. درحالی‌که کشور ما هشتاد میلیون جمعیت دارد و تعداد شهدای حرم، زیاد هم نیست اما همین تعداد کم توانستند بر فضای عمومی این کشور هشتاد و چند میلیونی تأثیر بگذارند. یک نمونه‌اش را شما در همین تشییع جنازه‌ها دیدید -عکسهای تشییع جنازه‌ی بچه‌های شما در شهرهایتان را برای من آورده‌اند- هر جا که اینها تشییع جنازه شدند، این جمعیت عظیم مردم حضور پیدا کردند.

خیلی از آنهایی که در آن تشییع جنازه آمدند، شاید این جوان را اصلاً ندیده بودند و نمی‌شناختند اما آمدند؛ دل‌ها کشانده میشود، دل‌ها دست خداست؛ مثل آهن‌ربا جذب میکند، همان‌طور که امام حسین جذب کرده است. شهادت حسین بن علی (سلام‌الله‌علیه) فوق‌همه‌ی شهادتهاست؛ ببینید چطور بعد از هزار و دویست - سیصد سال دل‌ها را مثل مغناطیسی میکشاند. اربعین را ببینید، این راه‌پیمایی را ببینید، این اشتیاق جوانها به قبر آن بزرگوار و زیارت آن بزرگوار را ببینید، این مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی را ببینید؛ اینها جاذبه است، این برکتی است که خدا به آن فداکاری داده است. بچه‌های شما هم همین‌جور؛ خدای متعال به خون بچه‌های شما، به شهادتشان، به فداکاری‌شان برکت داد و توانستند در کشور اثر بگذارند.^{۲۶}

پیاده‌روی بزرگ اربعین نمونه‌ی بارز ارتباطات بی‌نظیر دو ملت

رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای دیدار با تبریک به آقای برهم صالح به دلیل برگزیده شدن برای مسئولیت بزرگ ریاست جمهوری در کشور مهم عراق، به ارتباطات ریشه‌دار و عمیق و تاریخی دو ملت ایران و عراق اشاره کردند و گفتند: ارتباطات دو ملت بی‌نظیر است که نمونه‌ی بارز آن، پیاده‌روی بزرگ اربعین است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حضور بیش از دو میلیون زائر ایرانی در راه‌پیمایی اربعین امسال، خاطرنشان کردند: دل‌های همه‌ی زائران ایرانی بعد از بازگشت، مملو از تشکر از میهمان‌نوازی مردم عراق بود و این نشانگر بزرگواری حداکثری عراقی‌ها در میزبانی از زائران ایرانی است و این میهمان‌نوازی و ارتباط همراه با مهر و محبت میان دو ملت جز با زبان هنر قابل بیان نیست.

رهبر انقلاب اسلامی با تشکر صمیمانه از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و دیگر مسئولان و ملت عراق به دلیل میهمان‌نوازی کم‌نظیر در ایام اربعین، به رنج و محنت مردم عراق در دوران‌های گذشته اشاره کردند و گفتند: اکنون که ملت عراق بعد از دوران‌های استبدادی، صاحب کشور است و استقلال و حق رأی و انتخاب دارد، برخی دولت‌ها و کشورهای بدخواه به دنبال آن هستند تا مردم عراق طعم این پیروزی و دستاورد بزرگ را نچشند و عراق و منطقه، روی آرامش را نبینند.^{۲۷}

پرداختن به راه‌پیمایی اربعین در سریال‌ها

-در سریال‌ها به مسائل ملی بپردازید؛ از شهدای عزیز، از دفاع مقدس، از انقلاب، از سبک زندگی اسلامی، از انگیزه‌های ایمانی ملت و مظاهر آن، از ایستادگی‌شان در برابر ابرجنایت‌کاران و مفسدان عالم، از راه‌پیمایی اربعین و و ... بگویید؛ عظمت و استقلال و شجاعت و ظرفیت‌های علمی و عملی این ملت را با زبان هنر بیان کنید.

^{۲۶} گزیده‌ای از بیانات در دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

^{۲۷} دیدار رئیس‌جمهوری عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

-پرداخت درست و هنرمندانه‌ی این موضوعات بسی جذاب و پرمخاطب است، هم در داخل کشور و هم در دیگر کشورها و ملت‌ها.^{۲۸}

حضور در اربعین نمونه پیشرفت جوانان در معنویت

این همه جوان خوب در کشور هست؛ شما ببینید الان در فضای مجازی چه خبر است! چقدر «مُضَيَّاتُ الْفِتَنِ» (۱) در این فضای مجازی و در ماهواره‌ها و در این تشکیلات وجود دارد و جوان در معرض همه‌ی اینها است، در عین حال شما ببینید راه‌پیمایی اربعین چه جوری است، اعتکاف چه جوری است، نماز جماعت‌های دانشگاه‌ها چه جوری است. اینها خیلی مهم است؛ چرا ما اینها را نباید ببینیم؟ اینها نشان‌دهنده‌ی این است که حتی معنویت که سخت‌ترین [بخش] است - آن بخش معنوی فرهنگ - دارد پیشرفت میکند. جلسات ماه رمضان را شما ملاحظه کنید؛ بنده بخصوص در ماه رمضان‌ها و همچنین محرم و صفر از این معنا استفسار میکنم و از کسانی سؤال میکنم که بروند تحقیق کنند، کار کنند و ببینند نسبت جلسات امسال ماه رمضان به سال گذشته چیست؛ میروند گزارش می‌آورند؛ انسان واقعاً حیرت میکند از این پیشرفت، از این حرکت رو به جلو. اینها را ما چرا نباید ملاحظه کنیم، چرا نباید ببینیم؟ اینها دیده بشود، تحلیل بشود و گفته بشود؛ اینهایی که بلندگوهای پرمخاطب در اختیار دارند، اینها را بایستی بیان کنند و بگویند.^{۲۹}

اربعین؛ یک پدیده معنوی، الهی، غیرقابل توصیف

یک نمونه همین راه‌پیمایی عظیم اربعین است؛ این واقعاً یک پدیده است، یک پدیده‌ی الهی است، یک پدیده‌ی معنوی است. حقیقتاً قابل توصیف نیست؛ مثل خیلی از این پدیده‌های مهم الهی، درست قابل تفسیر هم نیست؛ یعنی نمیشود این حادثه را تحلیل کرد. این جور این جمعیت عظیم میلیونی راه بیفتند، در ظرف چند سال این تحقق پیدا کند، شکل پیدا کند! بله، در گذشته راه‌پیمایی بود، اما این خبرها نبود. ما اطلاع داریم که در ایام مختلف، چه اربعین، چه غیر اربعین - در خصوص اربعین یا بعضی اوقات دیگر - طلب از نجف و جاهای مختلف عراق حرکت میکردند میرفتند، جمعیت‌های فراوانی هم بودند. اما این جمعیت عظیم میلیونی از جاهای مختلف دنیا - چند میلیون از ایران و میلیون‌ها از خود عراق و از کشورهای دیگر - این حرکت عظیم، با وجود تهدیدهای تروریستی‌ای که همیشه وجود داشته و امروز هم وجود دارد، یک پدیده‌ی فوق‌العاده عظیمی است؛ خیلی مهم است. این نشان‌دهنده‌ی اوج گرفتن همین تفکر مبارزه‌ی در راه خدا و در راه اسلام و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است. و امیدواریم که خداوند متعال برکت بدهد به این حرکتها و برکت بدهد به مردم.

تشکر از دولت، ملت عزیز، حشدالشعبی، جوانان مبارز عراقی

ما البته اینجا به مناسبت اینکه یادی از راه‌پیمایی اربعین شد، ضمن دعا و آرزوی قبولی این حرکت، از همه‌ی کسانی که امسال در این راه‌پیمایی شرکت کردند تشکر میکنیم؛ لازم میدانیم از دولت عراق که وسایل را فراهم کرد برای اینکه این امر تحقق پیدا بکند تشکر کنیم؛ لازم میدانیم از ملت عزیز عراق که در این روزها - در این یک هفته یا بیشتر - خود را موظف دانستند که از راه‌پیمایان و زوار اباعبدالله (علیه‌السلام) این جور پذیرایی مخلصانه و شادمانانه بکنند، واقعاً و قلباً تشکر بکنیم و از خداوند متعال جزای خیر را برای آنها بخواهیم؛ لازم است از جوانان مبارز عراقی، از حشدالشعبی و دیگر کسانی که در امنیت این مراسم دخیل بودند و توانستند امنیت این زوار را حفظ بکنند تشکر کنیم؛ لازم است از مسئولان عتبات نجف و حضرت ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) در کربلا و حضرت ابوالفضل در کربلا که وسایلی را برای مردم فراهم کردند تشکر بکنیم. و امیدواریم که خدای متعال، هم به آنها و هم به این حرکت عظیم و به همه‌ی دست‌اندرکاران این حرکت، برکت بدهد و لطف کند و حمایت کند تا بتوانند این کار را ان‌شاءالله با بهترین وجهی ادامه بدهند.^{۳۰}

^{۲۸} یادداشت رهبر انقلاب پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما ۱۳۹۷/۰۸/۲۵

^{۲۹} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

^{۳۰} گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و فعالان فرهنگی استانهای آذربایجان شرقی و قم ۱۳۹۶/۰۸/۲۲

شاکر بودن از خداوند متعال به خاطر نعمت اربعین

ایام اربعین است و خوشا به حال آن کسانی که در حال پیاده‌روی هستند یا پیاده‌روی خواهند کرد و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش مضمون روز اربعین را این‌شاءالله خطاب به حضرت خواهند خواند.

ما هم اینجا با شوق و با حسرت نگاه میکنیم به این گامهایی که:

هزاران گام در راه است و دل مشتاق و من حیران

که چون ره میتوانم یافتن سوی درون من هم

الحمدلله جوانهای ما راه را پیدا کردند و میلیونها نفر از مردم ما و مردم غیر ما، مردم عراق و دیگران، در این راه حرکت میکنند، این هم یکی از حوادث بسیار برجسته‌ای است که خدای متعال منت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است؛ این شد یک نماد.

همیشه اربعین پیاده‌روی بود اما این حرکت عظیم که یک نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان اهل بیت و علاقمندان به اهل بیت هست؛ این نبود، ما این را نداشتیم، این را خدای متعال در اختیار ما گذاشت، خدا را بایستی شاکر باشیم.^{۳۱}

پیاده روی اربعین از نقاط مثبت و شادی‌آفرین کشور ما

اگر بخواهیم یک ارزیابی‌ای بکنیم از سالی که گذشت - سال ۹۵- باید بگوییم آن سال هم مثل همه سالهای دیگر شادی‌ها و غمهایی داشت، تلخی‌ها و شیرینی‌هایی داشت؛ منظور تلخی‌ها و شیرینی‌های مربوط به ملت است، مسائل شخصی مورد نظر نیست. هم شیرینی داشتیم در سال گذشته، شادی داشتیم که این شادی‌ها مربوط است به عزت ملی، امنیت ملی، همت جوانان در میان ملت ایران و حرکات مؤمنانه‌ی فراگیر در همه جای کشور؛ هم تلخی‌هایی داشتیم که عمدتاً مربوط به مسائل اقتصادی و اجتماعی است که اشاره‌ای به آنها نخواهم کرد.

...

حرکات مؤمنانه‌ای که اشاره کردم، مراد، جلسات دینی پُرشور و گرم و گیرایی است که در سرتاسر سال وجود داشت؛ مربوط به مسائل ائمه (علیهم‌السلام)، مربوط به مسائل مهم دینی، از اعتکافها و عبادتها و ماه رمضان و پیاده‌روی اربعین و جلسات مهم عاشورا و دهه‌ی محرم؛ اینها نقاط مثبت و شادی‌آفرین کشور ما و برای ملت ما است.^{۳۲}

پیاده روی اربعین مظهر عشق همراه بصیرت

شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام میگیرد، آخرش هم نمیشود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن - بلند میشوند میروند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه‌ی الهی است، این یک پدیده‌ی الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا؛ اَللّٰهُمَّ ارزُقْنی حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ یُحِبُّكَ

^{۳۱}. بیانات در درس خارج فقه ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

^{۳۲}. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۶

وَ حُبِّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ؛^{۳۳} این حبّ و این عشق، عشق همراه با بصیرت است؛ میداند، میفهمد و این جاذبه او را میکشد، این مغناطیس او را میکشد. خب، بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده‌ی عظیمی است.^{۳۴}

بین‌المللی شدن امام حسین (علیه‌السلام) و معرفت حسینی به برکت اربعین عظیم مردمی

در مورد اصل این راه‌پیمایی اربعین است که حقیقتاً یک حادثه‌ی بی‌نظیری است؛ ما نه فقط در دوران خودمان در دنیا، بلکه در تاریخ هم سراغ نداریم یک چنین اجتماعی، یک چنین حرکتی را هر سال، و هر سال گرم‌تر از سال قبل اتفاق بیفتد؛ بی‌نظیر است. این حرکت حسینی در گسترش معرفت به امام حسین (علیه‌السلام) نقش دارد. اربعین با این حرکتی که عمده‌تاً بین نجف و کربلا در راه‌پیمایی هر سال به وجود می‌آید بین‌المللی شد؛ چشم‌های مردم دنیا به این حرکت دوخته شد؛ امام حسین (علیه‌السلام) و معرفت حسینی به برکت این حرکت عظیم مردمی بین‌المللی شد، جهانی شد.^{۳۵}

ما امروز احتیاج داریم که حسین بن علی را به دنیا بشناسانیم

ما امروز احتیاج داریم که حسین بن علی را به دنیا بشناسانیم؛ دنیای دچار ظلم و فساد و دنائت و لثامت، محتاج معرفت آزادگی حسینی و حریت حسینی است. امروز مردم دنیا، جوانهای دنیا، ملت‌های بی‌غرض، برای یک چنین حقیقتی دل‌هایشان میتپد؛ [اگر] امام حسین (علیه‌السلام) به دنیا معرفی بشود، اسلام معرفی شده است، قرآن معرفی شده است. امروز با صدها وسیله علیه اسلام و علیه معارف اسلامی تبلیغ میشود؛ در مقابل این حرکت خصمانه‌ی جبهه‌ی کفر و استکبار، حرکت معرفت حسینی میتواند یک‌تنه سینه سپر کند، بایستد و حقیقت اسلام را، حقیقت قرآن را به دنیا معرفی کند. منطق حسین بن علی (علیهما السلام)، منطق دفاع از حق است، منطق ایستادگی در مقابل ظلم و طغیان و گمراهی و استکبار است. این منطق امام حسین است؛ امروز دنیا به این منطق نیازمند است؛ امروز دنیا شاهد حاکمیت کفر و استکبار و حاکمیت فساد است، دنیا شاهد حاکمیت ظلم است؛ این پیام امام حسین، پیام نجات دنیا است؛ حرکت عظیم اربعین این پیام را در دنیا منتشر میکند و به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی و به توفیق الهی، این حرکت بایستی روزبه‌روز تقویت بشود.^{۳۶}

اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛

اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز تازه‌تر میشود، روزبه‌روز زنده‌تر میشود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم ابا عبدالله و حلقوم زینب کبری (سلام الله علیهما) در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرا می‌گیرد. حسین (علیه‌السلام) متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار میکنیم که پیرو امام حسین هستیم، اما امام حسین فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام حسین هستند. در این راه‌پیمایی عظیم حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند شرکت میکنند و این رشته ادامه خواهد داشت ان‌شاءالله؛ این یک آیت

۳۳. بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۹۱ ص ۱۴۸؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، مناجات خمسسه عشر، مناجات محبین

الْمُنَاجَاةُ النَّاسِعَةُ مُنَاجَاةُ الْمُحِبِّينَ لِيَوْمِ السَّبْتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي دَأَقَ خَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَأَمَ مِنْكَ بَدَلًا ... يَا غَايَةَ أَمَالِ الْمُحِبِّينَ أَسْأَلُكَ حَبِّكَ وَ حُبِّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبِّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ ...

ترجمه: ای خدا چه کیست که مزه شیرینی دوستیت را چشیده باشد و غیر تو را بجای تو اختیار کند ... ای نهایت آرمان دوستان از تو می‌خواهم دوستی تو و دوستی هر که دوستت دارد و دوستی هرکاری که مرا به قربت برساند ...

۳۴. بیانات در دیدار بسیجیان ۳/۰۹/۱۳۹۵

۳۵. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۲۷/۰۶/۱۳۹۸

۳۶. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۲۷/۰۶/۱۳۹۸

عظمایی است که خدای متعال دارد نشان میدهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار میکنند، خداوند متعال ناگهان حادثه‌ی راهپیمایی اربعین را این جور عظمت میدهد، این جور جلوه میدهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه‌ی اراده‌ی الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان میدهد که اراده‌ی خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.^{۳۷}

راهپیمایی اربعین یک وسیله‌ی گویایی برای تحقق تمدن عظیم اسلامی

امروز بحمدالله ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند. ملت عراق یک ملت بزرگ است، یک ملت باعزت است، یک ملت با فرهنگ است، یک ملت با عزم و اراده است. جوانهای عراقی در این قضایای چند سال اخیر نشان دادند که این قدرت را دارند که از ملتشان و از کشورشان در مقابل توطئه‌های جهانی محافظت کنند؛ این خیلی بالارزش است. جوانهای عراقی توانستند بزرگ‌ترین توطئه‌ی داخلی را که میتوانست به جنگ داخلی منتهی بشود، در عراق از بین ببرند و نابود کنند. توطئه‌ی داعش و تکفیری‌ها، توطئه‌ی کوچکی نبود؛ پولها خرج کرده بودند، برنامه‌ها ریخته بودند برای اینکه عراق را که یک کشور اصلی عربی و اسلامی است، تبدیل کنند به میدان جنگ داخلی و شیعه و سنی را به جان هم بیندازند؛ جوانهای عراقی با فتوای مرجعیت معظم عراق توانستند سینه سپر کنند و این توطئه را خنثی کنند؛ این کار کمی نبود، کار کوچکی نبود. ملت بزرگ عراق میتواند کشور خود را به اوج عزت برساند؛ این ظرفیتهای بایستی به منصه‌ی عمل و ظهور برسد. اگر ظرفیتهای کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیتهای هم برسند، این دستها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راهپیمایی اربعین میتواند یک وسیله‌ی گویایی برای تحقق این هدف باشد.^{۳۸}

^{۳۷}. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۲۷/۰۶/۱۳۹۸

^{۳۸}. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۲۷/۰۶/۱۳۹۸